

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ توبه، استغفار و جبران گذشته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: بنیامین

تاریخ: ۱۳۹۹/۸/۲۵

در آیهی ۱۷ سورهی نساء آمده است: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ؛» (قبول) توبه بر خداوند تنها برای کسانی است که بدی (گناه) از روی جهالت می‌کنند» و در آیهی ۵۴ سورهی انعام و آیهی ۱۱۹ سورهی نحل نیز همین مضمون تکرار شده است. طبق این آیات، توبه‌ی کسانی که با علم به گناه بودن یک عمل، مرتکب آن شده‌اند، قبول نمی‌شود، اما در آیهی ۱۵۳ سورهی نساء آمده است: «يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ؛» «اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان بر آنان فرو آری، همانا از موسی بزرگ‌تر از این را خواستند که گفتند: خدای را آشکارا به ما نشان بده، پس صاعقه آنان را به سبب ستمشان بگرفت. سپس گوساله را پس از آن که نشانه‌های روشن و آشکار برایشان آمده بود (به خدایی) گرفتند و ما (پس از آن که توبه کردند) از آن گناه درگذشتیم». سؤال این است که خداوند چگونه توبه‌ی بنی‌اسرائیل را قبول کرد و گناهشان را بخشید، با آن که طبق متن آیه‌ی شریفه، پس از اتمام حجت و آمدن نشانه‌های روشن و آشکار مرتکب آن شدند؟! این چطور با آیات قبلی در تناقض نیست؟ پیشاپیش سپاسگزارم از وقتی که صرف می‌کنید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۳

درباره‌ی مراد خداوند از «جهالت» در آیهی ۱۷ سورهی نساء، میان مفسران سه نظر وجود دارد:

۱. مراد خداوند از جهالت، جهالت نسبت به حکم عمل است؛ به این معنا که انسان نداند کاری که انجام می‌دهد گناه است و این نظر جبائی است که ضعیف‌ترین نظر دانسته شده است؛ زیرا با توجه به مجموع آیات و روایات، تردیدی نیست که توبه از گناهی معلوم مانند زنا و سرقت نیز پذیرفته می‌شود.

۲. مراد خداوند از جهالت، جهالت نسبت به عواقب و آثار عمل در دنیا و آخرت است و این نظر فراء است که از نظر قبلی قوی‌تر است، ولی از این جهت اشکال دارد که مانند نظر قبلی، شامل گناهان آشکاری مانند زنا و سرقت نمی‌شود؛ با توجه به اینکه مرتکب آن‌ها، هرگاه مسلمان باشد، از حد آن‌ها در دنیا آگاه است و آگاهی او از حرمت آن‌ها مستلزم آگاهی او از عقاب آن‌ها در آخرت است؛ چراکه حرمت عمل، به معنای وجود عقاب اخروی برای آن است و با این وصف، کسی که از حرمت عمل آگاه است، نسبت به عواقب و آثار عمل در دنیا و آخرت، جاهل محسوب نمی‌شود.

۳. مراد خداوند از جهالت، مطلق عصیان است؛ چراکه هر عصیانی کاری جاهلانه محسوب می‌شود، اگرچه کاملاً معلوم و عمدی باشد و این نظر مشهور مفسران از جمله ابن عباس، أبو العالیة، عطاء، مجاهد، ضحاک، ابن زید و قتادة است، بلکه قتادة آن را نظر همه‌ی صحابه دانسته و گواه آن سخن خداوند از قول یوسف علیه السلام است که خطاب به برادرانش گفت: **«هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ»**^۱؛ «آیا می‌دانید که با یوسف و برادرش چه کردید هنگامی که جاهل بودید؟» در حالی که مسلماً آنان با علم به حرمت عمل و عقاب آن مرتکب آن شدند؛ چنانکه بنا بر خبر خداوند، پیش از ارتکاب آن گفتند: **«اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ»**^۲؛ «یوسف را بکشید یا به جایی بیندازید تا آغوش پدرتان برایتان خالی شود و پس از آن افراد صالحی بشوید!». همچنین، سخن یوسف علیه السلام که از بیم ارتکاب گناه گفت: **«رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»**^۳؛ «پروردگارا! من زندان را از چیزی که زن‌ها من را به سویش می‌خوانند دوست‌تر می‌دارم و اگر دسیسه‌ی آنان را از من دور نکنی به سویشان می‌گرایم و از جاهلان می‌شوم»

۱. یوسف / ۸۹

۲. یوسف / ۹

۳. یوسف / ۳۳

یعنی از زناکاران، با وجود اینکه به حرمت زنا و عقاب آن عالم بود.

بدون شک، نظر سوم به حق نزدیک‌تر است و قوی‌ترین نظر موجود میان مفسران محسوب می‌شود، ولی از آن دقیق‌تر و کامل‌تر، نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که ارتکاب گناه از روی جهالت را نه در برابر ارتکاب آن از روی علم، بلکه در برابر ارتکاب آن از روی عدم اعتقاد قرار داده و به معنای ارتکاب گناه با وجود ایمان، تنها از روی غفلت و غلبه‌ی غرایز بشری دانسته است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ﴾، فَقَالَ: لَا يَعْمَلُ السُّوءَ إِلَّا جَاهِلٌ أَوْ جَاحِدٌ، قُلْتُ: وَمَا الْجَاحِدُ؟ قَالَ: الَّذِي يَقُولُ: لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَقَدْ بَلَغَهُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ؛ «از منصور درباره‌ی سخن خداوند پرسیدم که فرموده است: >(قبول) توبه از جانب خداوند تنها برای کسانی است که از روی جهالت گناه می‌کنند<، پس فرمود: گناه نمی‌کند مگر جاهل یا جاحد، گفتم: جاحد کیست؟ فرمود: کسی که می‌گوید: کار بدی نکردم، در حالی که آنچه خداوند نازل کرده، به او رسیده است».

همچنین، یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«ذُكِرَ عِنْدَ الْمَنْصُورِ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ﴾، فَقَالَ: أَتَعْلَمُونَ مَنْ يَعْمَلُ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ؟ قِيلَ: لَا، قَالَ: هُوَ مَنْ يَعْمَلُ السُّوءَ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْلَالِهِ، قِيلَ: أَفَلَا تُقْبَلُ تَوْبَةُ الْمُسْتَحِلِّ إِذَا تَابَ مِنْ عَمَلِهِ؟ قَالَ: لَا، حَتَّى يَتُوبَ مِنْ كُفْرِهِ، فَإِذَا تَابَ مِنْ كُفْرِهِ غُفِرَ لَهُ مَا قَدْ سَلَفَ؛ «نزد منصور از سخن خداوند بلندمرتبه یاد شد که فرموده است: >(قبول) توبه از جانب خداوند تنها برای کسانی است که از روی جهالت گناه می‌کنند<، پس فرمود: آیا می‌دانید که چه کسی از روی جهالت گناه می‌کند؟ گفته شد: نه، فرمود: او کسی است که گناه می‌کند بدون اینکه آن را حلال بداند، گفته شد: آیا پس توبه‌ی کسی که آن را حلال می‌داند قبول نمی‌شود اگر از کار خود توبه کند؟ فرمود: نه، تا آن گاه که از کفر خود توبه کند، پس چون از کفر خود توبه کرد، چیزی که در گذشته از او سر زده است، آمرزیده می‌شود».



بنا بر این تفسیر نورانی، قبول توبه‌ی بنی اسرائیل از آن رو بوده است که پس از بازگشت موسی علیه السلام، از کفر خود توبه کردند و به ایمان بازگشتند. همچنین، یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: أَلَيْسَ لِلْعُلَمَاءِ تَوْبَةٌ إِذَا عَمِلُوا سُوءًا؟ قَالَ: إِذَا هَلَكُوا، وَهَلْ تَجِدُ مِنْهُمْ مَنْ لَا يَعْمَلُ سُوءًا؟! قُلْتُ: فَمَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْلِهِ: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ﴾؟! قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ، إِنَّمَا هُوَ رَجُلٌ يَعْمَلُ سُوءًا لِعِصْبٍ أَوْ شَهْوَةٍ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، فَيَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى وَيَسْتَغْفِرُهُ، وَلَيْسَ مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا وَهُوَ كَافِرٌ يَقُولُ: لَا حَرَامَ وَلَا حِسَابَ»؛ «به منصور گفتم: آیا امکان توبه برای عالمان نیست هرگاه کار بدی انجام دهند؟ فرمود: در این صورت هلاک شده‌اند! آیا کسی از آنان را می‌یابی که کار بدی انجام ندهد؟! گفتم: پس منظور خداوند از این سخن چیست که فرموده است: <قبول> توبه از جانب خداوند تنها برای کسانی است که از روی جهالت گناه می‌کنند؟! فرمود: آن طور نیست که تو برداشت کرده‌ای، منظور کسی است که از روی غضب یا شهوتی گناه می‌کند در حالی که مؤمن است، پس خداوند را به یاد می‌آورد و از او آمرزش می‌طلبد، نه کسی که گناه می‌کند در حالی که کافر است، می‌گوید: نه حرامی هست و نه حسابی!».

همچنین، یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِمَنْ يَهْتَدِي إِلَى الْحَقِّ، وَهُوَ الَّذِي يَعْمَلُ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ، وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِمَنْ لَا يَهْتَدِي إِلَى الْحَقِّ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنِّي لَعَفَاؤٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾^۱ يَعْنِي إِلَى الْحَقِّ»؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: (قبول) توبه از جانب خداوند تنها برای کسی است که به حق هدایت یافته و اوست که از روی جهالت گناه می‌کند و (قبول) توبه برای کسی نیست که به حق هدایت نیافته و این سخن خداوند است که فرموده است: <و هرآینه من آمرزنده‌ام برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد،

در حالی که هدایت یافته است < یعنی به سوی حق >».

همچنین، یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمُنْصُورَ عَنْ رَجُلٍ زَنَى وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الزَّانَا، ثُمَّ نَدِمَ فَتَابَ، أَيْغْفِرُ اللَّهُ لَهُ؟ قَالَ: هَلْ يَعْرِفُ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: إِذَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ؛ لِأَنَّهُ عَمِلَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ، قُلْتُ: إِنَّهُ شَاكٌ وَلَا يَغْفِرُ، قَالَ: إِذَا لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ حَتَّى يَبْتَغِيَ وَإِنْ بَلَغَتْ بِهِ التَّوْبَةُ كُلَّ مَبْلَغٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَوْبَةَ الْمُؤْمِنِ، «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی مردی پرسیدم که مرتکب زنا شده، در حالی که می‌دانسته خداوند زنا را حرام کرده، سپس پشیمان شده و توبه کرده است، آیا خداوند او را می‌بخشاید؟ فرمود: آیا حقی که ما بر آن هستیم را می‌شناسد؟ گفتم: آری، فرمود: در این صورت خداوند او را می‌بخشاید؛ چراکه او از روی جهالت گناه کرده است، گفتم: او شک دارد و اقرار نمی‌کند، فرمود: در این صورت خداوند او را نمی‌بخشاید تا آن گاه که اقرار کند، اگرچه توبه او را به هر حالتی برساند، سپس فرمود: خداوند تنها توبه‌ی مؤمن را قبول می‌کند، < خداوند تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند >».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ جراسانی
 مجلس شورای اسلامی ایران

